



۲. روش تقطیع هجایی:

الف) خوانش درست و نوشتن به خط عروضی

ب) مشخص کردن پایه‌های هجایی (تقطیع هجایی)

پ) نشانه‌گذاری هجاها (براساس کوتاه - بلند - کشیده)

ت) دسته‌بندی هجاها براساس نظمی که بین نشانه‌ها هست (تقطیع به ارکان) (به صورت ۳ تا ۳ تا - ۳ تا ۳ تا - ۴ تا ۴ تا)

ث) نام‌گذاری ارکان (پایه‌های آوایی)

تشبیه

درس
سوم

پیشخوان

سال گذشته آرایه‌هایی را خواندیم که در هوزة بدیع لفظی می‌گنجد؛ مثل واج‌آرایی، سجع و ...، اما امسال آرایه‌های مربوط به هوزة بیان را بررسی می‌کنیم؛ یعنی تشبیه، استعاره، میجاز و کنایه. برویم سراغ تشبیه.

تشبیه: ادعای همانندی میان دو یا چند چیز.
دانا چو طبله عطار است؛ خاموش و هنرنمای.

ریز و تیز

اگر در تعریف «تشبیه» ریز شوید و دقت کنید، به عبارت «ادعای همانندی» برمی‌خورید؛ یعنی در جمله‌هایی که حقیقتاً بین دو چیز همانندی هست، تشبیهی وجود ندارد؛ مثلاً در جمله «علی مانند برادرش پیراهن قرمز پوشیده است»، از نظر زیبایی‌شناسی آرایه تشبیه نداریم (انصافاً هیچ زیبایی‌ای ایجاد نمی‌کند؛ پس نباید هم آرایه محسوب شود).

اجزای تشبیه (پایه‌ها یا ارکان تشبیه)

الف) **ارکان اصلی** (نمی‌توانند حذف شوند).

۱. **مشبه:** پدیده‌ای که آن را به پدیده دیگر مانند می‌کنیم. (دانا در مثال بالا)
۲. **مشبه‌به:** پدیده‌ای که مشبه را به آن مانند می‌کنیم. (طبله عطار در مثال بالا)

ب) **ارکان غیراصلی** (می‌توانند حذف شوند، اما تشبیه همچنان بماند).

۱. **وجه‌شبه:** ویژگی مشترک میان مشبه و مشبه‌به. (خاموش و هنرنا بودن در مثال بالا)
* وجه‌شبه در مشبه‌به پررنگ‌تر و آشکارتر است.
* برای پیدا کردن وجه‌شبه، ویژگی‌های برجسته مشبه‌به را در نظر بگیرید.
۲. **ادات تشبیه:** واژه‌ای که برای بیان شباهت به کار می‌رود. برخی از ادات عبارت‌اند از: چو، همچو، مثل، مانند، به‌سان، به‌کردار، گویی، که، و ش، سا، وار و ... (سه مورد اخیر پسوند هستند و به مشبه‌به می‌چسبند).

ریز و تیز

«چو» و «چون» گاهی معنی «هنگامی که» و گاهی معنی «زیرا» دارند؛ در این صورت ادات تشبیه نیستند.
چهار رکن تشبیه در مثال:

«و»	او	به شیوه	باران	پر از طراوت تکرار بود»
مشبه	ادات تشبیه	مشبه‌به	وجه شبه	

انواع تشبیه از نظر ارکان

۱. تشبیه گسترده

تشبیهی که هر چهار رکن یا حداقل سه رکن را داشته باشد؛ مانند:

«مرا در دل درخت مهربانی به چه ماند به سرو بوستانی»

۲. تشبیه فشرده (بلیغ)

تشبیهی که فقط مشبه و مشبه‌به دارد و بر دو گونه است.

۱. تشبیه اضافی (مضاف و مضاف‌الیه): چراغ دانش - لب لعل

همان‌طور که می‌بینید در این نوع از تشبیه، مضاف و مضاف‌الیه هر کدام می‌توانند مشبه باشند یا مشبه‌به.

۲. تشبیه غیراضافی (درون‌واژه‌ای: گلچهره، ماه‌رخ اسنادی: عشق، آتش است.)



پاس گل

۱. اگر بتوانید بین مضاف و مضاف‌الیه، ادات تشبیه بگذارید و تشبیه بسازید، اضافه تشبیهی دارید.

۲. در جمله اسنادی اگر بتوانید بین مُسند و مسندالیه، ادات تشبیه بگذارید و تشبیه بسازید، با تشبیه اسنادی مواجهید.



* تشبیه براساس رابطه مشبه با مشبه‌به یا نوع آن‌ها (مفرد یا مرکب - حسی یا عقلی) نیز انواع گوناگونی دارد که در کتاب درسی نیامده، اما مختصری از آن‌ها بچشید بد نیست.

الف) تشبیه تفضیل: وقتی مشبه در داشتن وجه‌شبه بر مشبه‌به برتری داده می‌شود؛ مثال: تو از ماه زیباتری!

مثال شعری:

«تشبیه دهانت نتوان کرد به غنچه هرگز نبود غنچه بدین تنگ‌دهانی»

۱۸۹. پایه‌های آوایی کدام مصراع به درستی مشخص نشده است؟

- ۱ خرم آن روز کز این مرحله بریندم بار: خرم آن روز / گزینم مَر / خَلِ بَرِ بِن / دَم بار
- ۲ برخیز و به جام باده کن عزم درست: برخیزُ / به جام با / دِ گُن عَزَم / دُرُست
- ۳ همی‌نالد از مرگ اسفندیار: همی نا / لَکَدَز مَر / گِ اسفَن / دیار
- ۴ هشیار کجا داند بیهوشی مستان را: هشیار / کجا داند / بی‌هوش / یِ مستان را

۱۹۰. تعداد پایه‌های آوایی کدام گزینه با بیت زیر برابر است؟

«ای خواجه خوش‌دامن، دیوانه تویی یا من درکش قدحی با من بگذار ملامت را»

- ۱ پای سرو بوستانی در گل است
- ۲ عنکبوتی را به حکمت دام داد
- ۳ گرفتم آتش پنهان روا نمی‌داری
- ۴ بلم آرام چون قویی سبکیار
- ۱ سرو ما را پای معنی در دل است
- ۲ صدر عالم را درو آرام داد
- ۳ نگاه می‌کنی آب چشم پیدا را
- ۴ به‌نرمی بر سر کارون همی‌رفت

۱۹۱. در کدام بیت «تشبیه» به کار نرفته است؟

- ۱ چشمه خورشید تویی، سایه‌گه بید منم
- ۲ هرچه به گرد خویشتن می‌نگرم در این چمن
- ۳ خانه دل ما را از کرم عمارت کن
- ۴ از لعل تو گر یابم انگشتی زنهار
- ۱ چون که زدی بر سر من پست و گدازنده شدم
- ۲ آینه ضمیر من جز تو نمی‌دهد نشان
- ۳ پیش از آنکه این خانه رو نهد به ویرانی
- ۴ صد ملک سلیمانم در زیر نگیں باشد

۱۹۲. «ارکان فرعی تشبیه» در کدام بیت محذوف است؟

- ۱ روز چو شمعی به شب زودرو و سرفراز
- ۲ خداوندا شمیم را روز گردان
- ۳ برق با شوقم شراری بیش نیست
- ۴ خردمند را دل بر او برسوخت
- ۱ شب چو چراغی به صبح، کاسته و نیم‌تاب
- ۲ چو روزم بر جهان پیروز گردان
- ۳ شعله طفل نی‌سواری بیش نیست
- ۴ به‌کردار آتش رخس برفروخت

۱۹۳. نوع تشبیه در کدام بیت متفاوت است؟

- ۱ نوشدارویی و بعد از مرگ سهراب آمدی
- ۲ طبعم از لعل تو آموخت ذرافشانی‌ها
- ۳ شهریار آمده با کوبه گوهر اشک
- ۴ این برگ‌های زرد چمن نامه‌های اوست
- ۱ سنگدل این زودتر می‌خواستی حالا چرا؟
- ۲ ای رخت چشمه خورشید درخشانی‌ها
- ۳ به‌گدایی تو ای شاهد طتاز امشب
- ۴ وین بادهای سرد خزان بیک راهش است

۱۹۴. در کدام گزینه تشبیه‌های بیشتری به کار رفته است؟

- ۱ باز کن نغمه جانسوزی از آن ساز امشب
- ۲ مرغ دل در قفس سینه من می‌نالد
- ۳ گرد شمع رخت ای شوخ من سوخته‌جان
- ۴ گلبن نازی و در پای تو با دست نیاز
- ۱ تا کنی عقده اشک از دل من باز امشب
- ۲ بلبل ساز تو را دیده هم‌آواز امشب
- ۳ پر چو پروانه کنم باز به پرواز امشب
- ۴ می‌کنم دامن مقصود پر از ناز امشب

(تبری ۹۳)

۱۹۵. «مشبه» در کدام گزینه ذکر نشده است؟

- ۱ قهوه‌خانه گرم و روشن بود همچون شرم
- ۲ چوب‌دستی منتشامانند در دستش
- ۳ گرد بر گردش به‌کردار صدف بر گرد مروارید / پای تا سر گوش
- ۴ چاه چوان ژرفی و پهنانش، بی‌شرمیش ناباور / و غم‌انگیز و شگفت‌آور

(انسانی ۹۹)

۳۰۴. همه موارد از ویژگی‌های عمده نثر فارسی در سبک عراقی است؛ به جز:

- ۱ حذف افعال به قرینه - کاربرد لغات مهجور
- ۲ رواج نثر داستانی، تمثیلی و عرفانی - اطناب
- ۳ استفاده از آرایه‌های ادبی در نثر - استفاده از ترکیبات دشوار
- ۴ کاربرد فراوان آیات، احادیث و اشعار در متن - کوتاهی جملات

۳۰۵. سبک کدامیک از ابیات زیر با سایر گزینه‌ها متفاوت است؟

- | | |
|--|--------------------------------------|
| ۱ گر کند میل به خوبان دل من عیب مکن | کاین گناه‌بست که در شهر شما نیز کنند |
| ۲ چون گنجه‌کاری که هر ساعت از او عضوی برند | چرخ سنگین دل ز من هر دم کند یاری جدا |
| ۳ خصم سرکش شود از راه تحمل مغلوب | خاک خاموش به از آب کند آتش را |
| ۴ از تو همین تواضع عامی مرا بس است | در هفته‌ای جواب سلامی مرا بس است |

۳۰۶. بیتی که نام سراینده آن درست ذکر شده، مربوط به کدام سبک شعر فارسی است؟

- | | |
|---|---------------------------------------|
| الف) یارب از عرفان مرا پیمان‌های سرشار ده | چشم بینا، جان آگاه و دل بیدار ده |
| ب) مرا گه‌گه به دردی یاد می‌کن | که دردت مرهم جان می‌نماید |
| پ) تو سرو جویباری، تو لاله بهاری | تو یار غمگساری، تو حور دلربایی |
| ت) ما به غم خورده‌ایم ای دوست ما را غم فرست | تحفه‌ای کز غم فرستی نزد ما هر دم فرست |
- (سنایی)
(نظامی)
(منوچهری دامغانی)
(خاقانی)

- ۱ خراسانی ۲ آذربایجانی ۳ عراقی ۴ هندی

۳۰۷. انتساب چند اثر به پدیدآورنده آن «غلط» آمده است؟

- (مجالس المؤمنین: شیخ بهایی)، (حبیب‌السیر: خواندمیر)، (جامع عباسی: اسکندر بیگ ترکمان)، (عین‌الحیات: علی‌بن حسین واعظ کاشفی)، (محکامة‌اللغین: سلطان حسین یاقرا)، (تحفة‌الاحرار: جامی)، (صدپند: خواجه عبدالله انصاری)، (المعجم فی معاییر اشعار العجم: شمس قیس رازی)، (رساله دلگشا: عبید زاکانی)، (عشاق‌نامه: فخرالدین عراقی)
- ۱ سه ۲ چهار ۳ پنج ۴ شش

۳۰۸. پدیدآورندگان «مکاتیب، صدپند، نفحات‌الانس، عشاق‌نامه» به ترتیب خالق آثار هستند. (انسانی ۱۳۰۰)

- ۱ مجالس سبعه، رساله دلگشا، بهارستان، لمعات
- ۲ فیه ما فیه، تاریخ گزیده، تحفة‌الاحرار، جامع‌التواریخ
- ۳ مثنوی معنوی، اخلاق‌الاشراف، تذکره‌الاولیا، تاریخ جهانگشا
- ۴ دیوان شمس، موش و گربه، مرصادالعباد، جمشید و خورشید

۳۰۹. سبک نوشتاری چند اثر به ترتیب «هندی» و «عراقی» است؟

- «محبوب‌القلوب، بدایع‌الوقایع، عشاق‌نامه، جمشید و خورشید، عیار دانش، شرفنامه بدلیسی، مجالس‌المؤمنین، جامع‌التواریخ، فیه ما فیه، انوار سهیلی، تاریخ گزیده، اخلاق‌الاشراف»
- ۱ چهار - هشت ۲ پنج - هفت ۳ شش - شش ۴ هفت - پنج

۳۱۰. در کدام تشبیه وجه‌شبه ذکر نشده است؟

- | | |
|---|-------------------------------------|
| ۱ چون مار زخم‌خورده دل افتد به بیچ‌وتاب | هرگه که یاد طرّه پیچان کند تو را |
| ۲ چون رخ من شده است رنگ زمین | چون دم من شده است طبع زمان |
| ۳ جهان چون نی هزاران ناله دارد | که یک نی دید از شکرستانی |
| ۴ در وفای عشق تو مشهور خوبانم چو شمع | شب‌نشین کوی سربازان و رندانم چو شمع |

(ریاضی ۹۸)



۱۸۰. **گزینه ۳** در این بیت شاعر توصیه می‌کند که از ظاهر (صورت) پی به معنی ببریم و اهل ظاهر نباشیم اما سخن از «دورویی و تزویر» نیست. مفهوم سایر ابیات به‌درستی ذکر شده است.

۱۸۱. **گزینه ۳** سبک عراقی از اوایل قرن هفتم تا اوایل قرن دهم به مدت ۳۰۰ سال سبک غالب متون ادب فارسی بود.

۱۸۲. **گزینه ۲** «دولت‌شاه سمرقندی» از نویسندگان معروف این دوره است؛ نه از شاعران (عبید زاکانی هم شاعر و هم نویسنده معروف این دوره است).

۱۸۳. **گزینه ۴** «خردگرایی» از مضامین عمده «سبک خراسانی» است که در سبک عراقی جای خود را به بیان احساسات و عواطف (عشق‌گرایی) می‌دهد.

۱۸۴. **گزینه ۲** در این دوره شاعران از حاکمان روی برتاقتند و شعر به‌جای آنکه در خدمت ستایش فرمانروایان باشد، از معانی عمیق انسانی و آسمانی برخوردار شد.

🔹 **نکته تست ۸** در شعر این دوره همچنان اشعاری ستایش‌آمیز دیده می‌شود، اما این مضمون دیگر جزء مضامین عمده و اصلی شعر به شمار نمی‌آید.

۱۸۵. **گزینه ۲** شاعری که در اصفهان به‌دست مغولان کشته شد، «کمال‌الدین اسماعیل» بود که بیت ذکرشده در گزینه «۲» از اوست.

بیت گزینه «۱» از «کلیم کاشانی»، گزینه «۳» از «شیخ بهایی» و گزینه «۴» از «خاقانی» است.

۱۸۶. **گزینه ۱**

🎯 **ترفند** برای پاسخ به این‌گونه تست‌ها باید از روش سماعی استفاده کنید. مصراع یا بیت را با صدای بلند بخوانید و به ریتم خوانش خود دقت کنید.

آهنگ خوانش مصراع سؤال «تَن تَن تَن، تَن تَن تَن، تَن تَن تَن، تَن تَن» (معادل «فاعلاتن مفاعلهن فعلن») است. همین آهنگ در مصراع گزینه «۱» هم احساس می‌شود.

بررسی سایر گزینه‌ها: گزینه‌های «۲» و «۳»: تَن تَن تَن، تَن تَن تَن، تَن تَن تَن (معادل «مفعول مفاعلهن مفاعلهن فعل») / گزینه «۴»: تَن تَن تَن، تَن تَن تَن، تَن تَن تَن (معادل «فاعلاتن، فاعلاتن، فاعلن»)

۱۸۷. **گزینه ۲** اگر به خوانش درست این مصراع دقت کنید، متوجه حذف همزه در آن می‌شوید. پس از حذف همزه، مصوت بلند «ا» به صامت پیش از خود می‌پیوندد؛ بنابراین نشانه‌گذاری درست آن چنین می‌شود: ---UU-UUU-UU

۱۸۸. **گزینه ۲** عبارت مشخص‌شده در صورت سؤال از یک هجای بلند (خُش) و یک هجای کشیده (باش) تشکیل شده و آهنگ برخاسته از آن معادل (U -) است. این آهنگ تنها در عبارت گزینه «۲» دیده می‌شود؛ زیرا که = - - U.

بررسی سایر گزینه‌ها: گزینه «۱»: آندوه مخخور: -UU- / گزینه «۳»: تَر سَم تا: --- / گزینه «۴»: آفسوس ک: UU-

۱۸۹. **گزینه ۱** در این گزینه، دو پایه آوایی نخست نادریست مشخص شده‌اند. پایه‌های آوایی این مصراع باید به این صورت بیایند: خُرَّ رَمَان رو / ز ک زین هر / خ ل بَرِ بِن / دَم بار

۱۹۰. **گزینه ۳** بیت سؤال از هشت رکن یا همان پایه آوایی تشکیل شده است (در هر مصراع ۴ رکن): ای خا ج / ی خُش دا هِن / دی وا ن / تْ بی یا هِن / دَر کِش ق / دَ حِ با مَن / بگ دا ر / مَ لا مت را

در گزینه «۳» نیز ۴ رکن در هر مصراع وجود دارد:
گِ رِف ت م ا / ت ش پ ن هان / ر و ا ن می / د ا ر ی
ن گاه می / ن گ ن ی ا / ب چش م پی / د ا را
ایات سایر گزینه‌ها هر کدام ۶ رکن دارند (در هر مصراع ۳ رکن).

۱۹۱. **گزینه ۴** در این گزینه تشبیهی دیده نمی‌شود («لعل» استعاره از «لب»، «انگشتی زنه‌ار» اضافه اقترانی).

بررسی سایر گزینه‌ها: گزینه «۱»: دو تشبیه اسنادی در مصراع اول وجود دارد: تو ← چشمه خورشید، من ← سایه‌گه بید / گزینه «۲»: «آینه ضمیر» اضافه تشبیهی است (تشبیه بلیغ). / گزینه «۳»: «خانه دل» اضافه تشبیهی است (تشبیه بلیغ).

۱۹۲. **گزینه ۳** در این گزینه «برق» به «شرار» و «شعله» به «طفل نی‌سوار» تشبیه شده است (تشبیه بلیغ اسنادی)، اما ادات و وجه‌شبهه (که رکن‌های فرعی تشبیه هستند) محذوف‌اند. در سایر گزینه‌ها «ادات» و «وجه‌شبهه» مشهود است. (در گزینه «۴» «به کردار» ادات تشبیه و «برافروختن» وجه‌شبهه است).

۱۹۳. **گزینه ۳** در این گزینه «گوهر اشک»، «اضافه تشبیهی» است، اما در سایر گزینه‌ها تشبیه اسنادی دیده می‌شود: گزینه «۱»: «نوشدارویی» (تشبیه «تو» به «نوشدارو») (در این گزینه «سنگدل» هم می‌تواند علاوه بر مفهوم کنایه، تشبیه درون‌واژه‌ای به حساب آید). / گزینه «۲»: ای [کسی که] رخ تو چشمه خورشید [است] ← تشبیه اسنادی. / گزینه «۴»: «برگ‌های چمن، نامه‌های اوست» و «بادهای سرد خزان، بیک راه اوست» ← تشبیه اسنادی.

۱۹۴. **گزینه ۲** در این گزینه سه تشبیه به کار رفته و هر سه «اضافه تشبیهی» اند: مرغ دل، قفس سینه و بلبل ساز.

بررسی سایر گزینه‌ها: گزینه «۱»: یک تشبیه دارد: عقده اشک (اضافه تشبیهی: اشک به عقده (گره)). / گزینه «۳»: دو تشبیه دارد: شمع رخ (اضافه تشبیهی: رخ به شمع) - من چو پروانه (تشبیه گسترده). / گزینه «۴»: یک تشبیه دارد: گلین نازی (تشبیه اسنادی: تو مانند گلین ناز هستی) و در این گزینه «دست نیاز» اضافه اقترانی و «دامن مقصود» اضافه استعاری است.

۱۹۵. **گزینه ۳** در این گزینه «مردمان تماشاگر» (همگنان) مشبهه است که نیامده. در گزینه «۱» «فهوهِ‌خانه»، در گزینه «۲» «چوب‌دستی» و در گزینه «۴» «بی‌شرمی چاه» مشبهه هستند و به ترتیب به «شرم»، «منتشا» و «ژرفی و پهنای چاه» تشبیه شده‌اند.

۱۹۶. **گزینه ۴** این مورد، نتیجه توجه شاعران به معانی عمیق انسانی و آسمانی و رویگردانی آنان از حاکمان بود.

❖ درباره انتقال مرکزیت فرهنگی از خراسان باید گفت: اگرچه از زمان سلجوقیان تغییراتی آغاز شده بود؛ اما با حمله مغول، خراسان به کلی ویران شد و کانون‌های فرهنگی از خراسان به عراق عجم انتقال یافت.

۱۹۷. **گزینه ۲** می‌دانیم که در این دوره دو جریان در نثر فارسی بود: یکی ساده‌نویسی و دیگری پیچیده‌نویسی. «طبقات ناصری» و «مرصادالعباد» دو نمونه از آثار جریان «ساده‌نویسی» هستند. «المعجم» نیز به‌جز در مقدمه نثری ساده دارد، اما «تاریخ جهانگشا» با نثری مصنوع و دشوار جزء جریان «پیچیده‌نویسی» است.

۱۹۸. **گزینه ۱** از آنجا که قالب «مثنوی» مناسب سرودن داستان است و «جمشید و خورشید» هم به تقلید از داستان‌های نظامی سروده شده، به راحتی می‌توانید به نادرست بودن عبارت «در قالب قصیده» پی ببرید. سایر گزینه‌ها درست معرفی شده‌اند.

۱۹۹. **گزینه ۳** «اخلاق‌الاشراف» از عبید زاکانی و «تحفة‌الاحرار» از جامی است.

بررسی سایر گزینه‌ها: گزینه «۱»: «دل کندن» کنایه از رها کردن - جناس: میر و پیر، بند و بند / گزینه «۲»: «خار در پا» و «پای در گل» بودن کنایه از گرفتار مشکلات بودن - جناس: دل و گِل / گزینه «۴»: «از چنگ نهادن» کنایه از کنار گذاشتن - جناس: چنگ (دست) و چنگ (ساز)

۲۹۹. **گزینه ۲** مفهوم مشترک این گزینه و بیت سؤال: تلاش برای آگاه کردن غفلت‌زدگان
مفهوم سایر گزینه‌ها: گزینه «۱»: «دنیا محل گذراست، دل نیند (نکوهش دل بستن به دنیا). / گزینه «۳»: برتر بودن
مدح از آصف که وزیر حضرت سلیمان بود. / گزینه «۴»: نکوهش غافلانی که عمر خود را بیهوده هدر داده‌اند.

۳۰۰. **گزینه ۴** مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه‌های «۱»، «۲» و «۳»: عاشق از میان نعمت‌های
دو جهان تنها معشوق و محبت او را می‌خواهد.

مفهوم گزینه «۴»: زیبایی معشوق مانند بهشت بود اما من گرفتار چاه زندان او شدم که دوزخ من
بود (گرفتار عشق شدن).

۳۰۱. **گزینه ۱** از آرایه‌های پر کاربرد در سبک هندی می‌توان تمثیل و اسلوب معادله را نام برد.
این آرایه‌ها به‌جز گزینه «۱» در سایر گزینه‌ها دیده می‌شود.

پاسخ گل سؤال از شما ویژگی‌های ادبی را خواسته که بررسی کنید اما می‌توانید هم‌زمان ویژگی‌های
سطح زبانی و فکری را هم بررسی کنید تا در انتخاب پاسخ درست مطمئن شوید. مثلاً در گزینه‌های
«۲»، «۳» و «۴» دقت نظر و مضمون‌سازی شاعر را می‌بینید که از ویژگی‌های فکری سبک هندی است.

۳۰۲. **گزینه ۲** جامی در کتاب «نجات‌الانس» به شیوه تذکره‌الاولیای عطار نیشابوری به بیان
حقایق عرفانی و ذکر احوال عارفان پرداخت.

۳۰۳. **گزینه ۳** «جامع‌التواریخ» اثری است از خواجه رشیدالدین فضل‌الله از وزرای دوره ایلخانی (نام
اثر حمدالله مستوفی «تاریخ گزیده» است).

۳۰۴. **گزینه ۴** «کوتاهی جملات» از ویژگی‌های نثر خراسانی (دوره سامانی) است.

۳۰۵. **گزینه ۱** علاوه بر «مضمون‌یابی» که از مهم‌ترین ویژگی‌های سبکی دوره هندی است، کاربرد
تشبیه و تمثیل، حسن تعلیل و اسلوب معادله در گزینه‌های «۲» و «۳» و کاربرد ردیف‌های طولانی و
خوش‌آهنگ در گزینه «۴» از ویژگی‌های سبکی این دوره است. بیت گزینه «۱» از سعدی شیرازی و
مربوط به سبک عراقی است.

۳۰۶. **گزینه ۲** بیت «ت» از خاقانی است و فقط نام سراینده این بیت درست آمده: خاقانی از
شاعران سبک آذربایجانی است.

بررسی سایر ابیات: بیت «الف» از «صائب تبریزی» و مربوط به سبک هندی است (سنایی شاعر دوره
غزنوی است). / بیت «ب» از فخرالدین عراقی و به سبک عراقی سروده شده است (نظامی شاعر
سبک آذربایجانی است). / بیت «پ» نیز از فرخی سیستانی شاعر دوره غزنوی است (منوچهری نیز از
شاعران سبک خراسانی است اما این بیت از او نیست).

۳۰۷. **گزینه ۲** آثاری که نام پدیدآورنده آن‌ها غلط آمده: ۱. «مجالس المؤمنین» از **قاضی نورالله
شوشتری**. ۲. «جامع عباسی» از **شیخ بهایی**. ۳. «محاکمة اللغتين» از **امیر علی شیر نوبی**. ۴. «صد بند»
از **عبید زاکانی**

پاسخ گل اشتباه نکنید! تاریخ ادبیات حفظی نمی‌شود. اگر فقط حفظ کرده باشید در دام «متشابهات»
که طراح برایتان پهن کرده می‌افتید. مثلاً «عالم‌آرای عباسی» از اسکندر بیگ ترکمان است و طراح
«جامع عباسی» را برای او می‌نویسد تا شما را دچار اشتباه کند یا چون «محاکمة اللغتين» در زمان سلطان
حسین بایقرا نوشته شده آن را به او نسبت می‌دهد.

چاره چیست؟ بین نام آثار و پدیدآورندگان آثار رمز بگذارید (رمز هم که امری شخصی است از ما
نخواهید).

۳۰۸. **گزینه ۱** باید رد گزینه کنیم: «عشاق‌نامه» که در صورت سؤال آمده از فخرالدین عراقی است. معادل آن در گزینه «۱» «لمعات» درست آمده؛ اما «جامع‌التواریخ» از رشیدالدین فضل‌الله (رد گزینه «۲»). «تاریخ جهانگشا» از عطاملک جوینی (رد گزینه «۳») و «جمشید و خورشید» از سلمان ساوجی (رد گزینه «۴») است.

۳۰۹. **گزینه ۲** آثار به سبک هندی: ۱. محبوب‌القلوب (میرزا برخوردار فراهی) ۲. بدایع‌الوقایع (واصفی) ۳. عبار دانش ۴. شرفنامه بدلیسی ۵. مجالس‌المؤمنین
آثار به سبک عراقی: ۱. عشاق‌نامه (عراقی) ۲. جمشید و خورشید (ساوجی) ۳. جامع‌التواریخ (رشیدالدین فضل‌الله) ۴. فیه‌ما‌فیه (مولوی) ۵. انوار سهیلی (واعظ کاشفی) ۶. تاریخ گزیده (حمدالله مستوفی) ۷. اخلاق‌الاشراف (عبید زاکانی)

۳۱۰. **گزینه ۲** در این گزینه «رنگ زمین» به «رخ من» تشبیه شده و «طبع زمان» به «دم من» اما وجه‌شبه آن‌ها ذکر نشده است.
وجه‌شبه در سایر گزینه‌ها: گزینه «۱»: در بیج‌وتاب افتادن / گزینه «۳»: ناله داشتن / گزینه «۴»: «مشهور خوبان بودن» و «شب‌نشین بودن»

۳۱۱. **گزینه ۲** در این گزینه «سر» در معنی حقیقی به کار رفته، اما «سر نهادن» کنایه از تسلیم شدن یا جان فدای معشوق کردن است. معنی بیت: اگر پا بر فرقم بگذاری، برای من پاداش قربت و نزدیکی با توست و جز جان خود چیز دیگری را قابل نمی‌دانم که به‌عنوان «عذر قدم» تقدیم تو نمایم.
مجاز در سایر گزینه‌ها: گزینه «۱»: سر مجاز از اندیشه / گزینه «۳»: سر در مصراع اول مجاز از قصد و اراده و در مصراع دوم مجاز از اندیشه / گزینه «۴»: قصد و اراده

۳۱۲. **گزینه ۴** در این بیت بین «زاغ» و «باغ» جناس ناقص اختلافی هست. همچنین «خال سیاه معشوق که بر عذار اوست» به «زاغی که بر کناره باغی نشسته است» تشبیه شده (تشبیه مرکب) اما استعاره در آن دیده نمی‌شود.

رد سایر گزینه‌ها: در گزینه «۱» «ماه رخشان» استعاره از معشوق است. در گزینه «۲» تشبیه وجود ندارد و در گزینه «۳» جناس وجود ندارد.

۳۱۳. **گزینه ۳** در این گزینه «استعاره» دیده نمی‌شود. «تیغ ستم» اضافه تشبیهی و «پا از گلیم خویش دراز کردن» کنایه از حد خود را ندانستن است.

بررسی سایر گزینه‌ها: گزینه «۱»: «صد» مجاز از بسیاری - «باد بپمودن» کنایه از کار بیهوده کردن / گزینه «۲»: «است - دست» جناس ناقص - «خون» مجاز از کشتن / گزینه «۴»: «لعل» استعاره از «لب». «طوبی» استعاره از «قد» و «سرچشمه کوثر» استعاره از لب - «نقاش - نقش» اشتقاق.

۳۱۴. **گزینه ۱** «سرو روان» استعاره از معشوق - «خون» مجاز از کشتن و «جهان» مجاز از مردم جهان
بررسی سایر گزینه‌ها: گزینه «۲»: «شکار کردن آهوها» استعاره مکنیه، «شیر» استعاره مصرحه از عاشق و «آهو» استعاره از معشوق («کمند محبت» اضافه تشبیهی است) - مجاز ندارد. / گزینه «۳»: «عشوه فروختن چشم» استعاره مکنیه و «لعل» استعاره از لب - مجاز ندارد. / گزینه «۴»: «رحمت خار را بلبل می‌کشد» استعاره مکنیه، «خار» استعاره از سختی‌ها و مشکلات راه عشق - مجاز ندارد.

نکته تست: اگرچه استعاره مصرحه نوعی مجاز است، اما برخی طراحان محترم آن دو را جدا از هم می‌شمارند.

۳۱۵. **گزینه ۲** در بیت «الف» «آب از سر گذشتن» و در بیت «د» «درفشان بودن» ذکر شده است.
وجه‌شبه‌های محذوف: بیت «الف»: روی چون خورشید «درخشان و زیبا» / بیت «ب»: لب چون شکر «شیرین» - تن همچون شکر در آب «در حال از بین رفتن و آب شدن» / بیت «ج»: آفتاب مانند تو «زیبا»